

جایگاه حدیثی احمد بن ابی زاهر و درون‌مایه‌های روایات وی

سید مصطفی مطهری^۱

چکیده

احمد ابن ابی زاهر از عالمان متقدم امامیه و از چهره‌های حدیثی مدرسه قم است که دارای نگارش‌هایی با رویکرد حدیثی - کلامی است. اگر چه حجم اطلاعات و روایات بر جای مانده از وی اندک است و کتاب‌های او در اختیار ما نیست، با این همه گردآوری مجموعه روایاتش از منابع متقدم شیعی می‌تواند به بازیابی بخشی از میراث علمی او منجر شود. در پژوهش حاضر تلاش شده تا محتوای کتابی از ابی زاهر با عنوان «صفة الرسل و الأنبياء و الصالحين» بازسازی شود. شواهد گوناگونی همانند نقل به مضمون و یا نقل به اسانید دیگر در منابع شیعی، حاکی از صحت حدیثی بخش بر جای مانده از روایات وی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ابن ابی زاهر، روایات کلامی، امامت، بازیابی مصادر کهن.

مقدمه

تلاش عالمان شیعه برای پاسداری از میراث پر ارزش اهل بیت علیهم‌السلام و نشر آن، امری است که توجه به آثار بر جای مانده از ایشان را پیش از پیش ضروری می‌نمایاند. در این میان مدرسه حدیثی قم که میراث‌دار علمی مدارس پیشین است دارای جایگاهی والاست که در زمینه‌های گوناگون علمی همچون فقه و کلام، آثاری گران‌سنگ را از خود برجای

نهاده است. از جمله شخصیت‌های این مدرسه که همگام با بروز جریانات و پرسش‌های کلامی آثار متعددی را نگاشته است می‌توان به احمد بن ابی‌زاهر (موسی) الاشعری اشاره نمود. وی که از شخصیت‌های برجسته قم در خلال سال‌های قرن سوم هجری است، اثری علمی با عنوان *صفة الرسل و الأنبياء و الصالحين* دارد که در نوع خود و در مدرسه حدیثی - کلامی قم عنوانی متمایز از دیگر آثار آن روزگار است. اگر چه این کتاب اکنون در اختیار ما نیست با این همه روایاتی از وی در مصادر شیعی انتقال یافته است که مرتبط به همین کتاب است و گردآوری آنها به نوعی بازسازی این کتاب را در پی دارد. هر چند حجم اطلاعات بر جای مانده از او فراوان نیست با این همه شناخت جایگاه وی در مدرسه حدیثی قم و خصوصاً در موضوع روایات کلامی، می‌تواند علاوه بر نمایاندن رویکردهای حدیثی - کلامی وی، در معرفی مدرسه قم تأثیرات مفیدی داشته باشد.

نوشتار حاضر علاوه بر معرفی شخصیت اجتماعی و علمی، اساتید و شاگردان، وی به اعتبارسنجی آثار حدیثی و درون‌مایه‌های علمی وی نیز پرداخته است.

شخصیت شناسی

احمد بن موسی (ابی‌زاهر)، ابو جعفر الاشعری القمی، از جمله موالی و نیز شخصیت‌های سرشناس قم به شمار می‌آید (رجال نجاشی، ص ۸۸؛ الفهرست، ص ۶۱). از پدر، فرزندان و حتی خود وی و ارتباطش با سایر شخصیت‌های خاندان اشعری اطلاعات فراوانی در اختیار نیست جز آنکه برخی اساتید وی مانند علی بن اسماعیل از خاندان اشعری بوده‌اند (رجال کشی، ص ۵۹۸)؛ یا برخی روایت وی از محدثان کوفی مانند ایوب بن نوح (رجال نجاشی، ص ۱۰۲) احتمال سفری علمی را تقویت می‌نماید.

موضوعات نگارش‌های وی، غالباً در ارتباط با جریان‌های کلامی دوران غیبت صغری بوده است با این همه موضوع فقه نیز در حیطه کاری وی قرار داشته است (همان، ص ۸۸؛ الفهرست، ص ۶۱).

مجموعه این کتاب‌ها عبارت‌اند از: کتاب البداء، کتاب النوادر، کتاب *صفة الرسل و الانبياء و الصالحين*، کتاب الزکاة، کتاب احادیث الشمس و القمر، کتاب الجمعة و العیدین، کتاب الجبر و التفویض، کتاب ما يفعل الناس حين یفقدون الإمام (همان، همان). تنها مورد اخیر کتابی است که

نجاشی به آن تصریح کرده است و سایر موارد به ترتیب ذکر شده، میان مرحوم شیخ و نجاشی مشترک می‌باشند. همچنین نجاشی و شیخ طوسی هر دو - پس از بیان وجاهت وی در قم - بر این نکته تصریح دارند که "حدیثه لیس بذلك النقی"، که درباره آن در بخش اعتبار سنجی روایت توضیح داده می‌شود (همان، همان).

تاریخ حیات وی نیز اگرچه معلوم نیست اما می‌توان چنین گفت که با ملاحظه اساتید و راویان از او - خصوصاً محمد بن الحسین الزیات متوفی ۲۶۲ هـ.ق (رجال نجاشی، ص ۸۸) - در خلال سال‌های میانی قرن سوم بوده است.

همچنین در میان اسناد مشتمل بر عنوان وی، احمد بن ابی زاهر در کتاب الکافی و کامل الزیارات و نیز احمد بن موسی در کتاب بصائر الدرجات شهرت بیشتری دارد. (جدول پیوست).

اساتید

با ملاحظه مجموعه باقی مانده از روایات ابن ابی زاهر و نیز واقع شدن در طریق انتقال میراث، می‌توان از نام یازده استاد برای وی یاد کرد که عبارت‌اند از:

۱. الحسن بن موسی الخشاب، ۲. علی بن اسماعیل السندی، ۳. جعفر بن مالک الفزازی، ۴. محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، ۵. الحسن بن علی بن النعمان، ۶. ایوب بن نوح، ۷. محمد بن حماد، ۸. احمد بن عبدوس، ۹. یعقوب بن یزید، ۱۰. احمد بن محمد، (تعداد روایت هر یک از اساتید و آدرس نقل‌ها در جدول پیوست آمده است).

اگر چه در پاره‌ای موارد این افراد دارای رویکردهای علمی متفاوت هستند با این همه وجه اشتراک غالب ایشان، نگارش‌های کلامی خصوصاً با موضوع امامت و یا نقل این دسته از روایات است. برای نمونه الحسن بن موسی الخشاب کتاب الانبیاء، احمد بن الحسین کتاب الامامه، محمد الحسین بن ابی الخطاب کتاب الامامه و نیز کتاب وصایا الامامه و یعقوب بن یزید کتاب البداء، را نگاشته‌اند (رجال نجاشی، صص ۴۲، ۸۳، ۳۳۴، ۴۵۰).

کسانی همچون ایوب بن نوح (همان، ص ۱۰۲) الحسن بن علی بن النعمان (همان، ص ۴۰) و احمد بن عبدوس (همان، ص ۸۱) نیز کتاب‌هایی با عنوان نوادر یا النوادر - به معنای مجموعه روایات ناب به لحاظ محتوایی و نه روایات شاذ - نگاشته‌اند (روضه المتقین، ج ۳ ص ۴۶۳؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۱) که به لحاظ موضوعی مشتمل موضوعات گوناگونی از جمله کلام، فقه، ثواب و عقاب اعمال، ادعیه و زیارت و مانند این‌ها بوده است.

همچنین در میان اساتید وی، همه موارد بجز سه مورد دارای توثیق هستند. این سه نفر عبارت‌اند از: ۱. احمد بن عبدوس (بصائر الدرجات، ص ۲۳۰) که به صراحت توثیق نشده است. البته به نظر می‌رسد نقل میراث او توسط ابن الولید، تردیدی در جلالیت وی باقی نمی‌گذارد (رجال نجاشی، ص ۸۱؛ الفهرست، ص ۵۹)؛ ۲. محمد بن حماد که در کتاب‌های رجالی مورد اشاره واقع نشده است و نمی‌توان درباره وی قضاوت نمود (معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۶)؛ ۳. جعفر بن مالک الفزازی (بصائر الدرجات، ص ۱۵۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۵۴) که در کلام نجاشی تضعیفات شدیدی دارد. نجاشی از او با تعبیر «کان ضعیفا فی الحدیث» یاد کرده و سپس موضع این غضائری و شخص دیگری را - که به ترتیب جعل حدیث و روایت از مجاهیل و نیز فساد مذهب و روایت می‌باشد را - نقل می‌کند (رجال نجاشی، ص ۱۲۲). البته ابن غضائری در کتاب خود تضعیف کاملا شدیدتری را برای او آورده تا آنجا که گفته است "کل عیوب الضعفاء مجتمعة فیه." (رجال ابن غضائری، ص ۴۸). علاوه بر این شیخ طوسی نیز اشاره می‌کند که قوم او را تضعیف کرده‌اند در حالی که درباره مولد قائم علیه السلام اعاجیبی نقل کرده است (رجال النسیخ الطوسی، ص ۴۱۸). با این همه نجاشی چالش پیش روی ضعف را بر اساس نظر برخی اساتیدش نادیده نگرفته است و به روایت دو تن از اساتید مورد وثوق خود یعنی ابوعلی بن همام و ابوغالب الزراری از وی اشاره می‌کند. هر چند به نظر می‌رسد خود به حدی از تضعیف اعتقاد دارد (رجال نجاشی، ص ۱۲۲). بنابراین بجز مورد اخیر در سایر موارد می‌توان به اطمینان کافی درباره اسانید روایت ابن ابی‌زاهر پی برد.

شاگردان

نگاهی به اسناد روایات بر جای مانده - در سه منبع حاوی روایات وی - و نیز طرق ذکر شده برای انتقال میراث ابن ابی‌زاهر نشان می‌دهد که میراث وی در کتاب الکافی و در یکی از دو روایت کامل الزیارات، تنها توسط محمد بن یحیی العطار روایت شده است؛ موید این سخن، نجاشی و شیخ طوسی هستند که محمد بن یحیی را اخص اصحاب ابن ابی‌زاهر و میراث وی را از طریق محمد بن یحیی نقل می‌کنند (رجال نجاشی، ص ۸۸؛ رجال النسیخ الطوسی، ص ۶۱؛ الفهرست، ص ۴۱۶). همچنین در یکی از دو روایت منقول در کامل الزیارات، احمد بن ادریس در صدر سند قرار دارد (کامل الزیارات، ص ۴۳۲). از سوی دیگر حجم قابل ملاحظه‌ای از روایات وی در یکی از این سه منبع یعنی کتاب بصائر الدرجات توسط محمد بن الحسن الصفار انتقال یافته

است. البته بررسی‌های بیشتر می‌تواند در پی بردن به دو کتاب بصائر الدرجات از آن محمد بن یحیی العطار و محمد بن الحسن الصفار راهگشا باشد. بر اساس این موارد، سه شخصیت بزرگ حدیثی عهده‌دار انتقال میراث وی هستند؛ ۱. محمد بن یحیی، ۲. محمد بن الحسن الصفار، ۳. احمد بن ادریس.

انتقال تراث امامیه

بر اساس آنچه نجاشی و شیخ طوسی آورده‌اند، احمد بن ابی زاهر در طریق انتقال میراث سه عالم ثقه امامیه قرار دارد، هر چند که از این سه، روایاتی از طریق وی به دست ما نرسیده است. این سه عبارت‌اند از:

نخست: احمد بن الحسن بن الحسین اللؤلؤی (رجال نجاشی، ص ۷۹؛ الفهرست، ص ۵۷) که دارای کتابی با عنوان کتاب اللؤلؤة بوده است. دوم: احمد بن الحسین الصیقل (رجال نجاشی، ص ۸۴) کتاب با موضوع امامت داشته که ابن غضائری به آن طریق داشته است. سوم: هارون بن الحسن بن البجلی (همان، ص ۴۳۹) که کتابی با عنوان کتاب نوادر داشته است. همچنین راوی از وی در مورد نخست احمد بن ادریس و در دو مورد اخیر محمد بن یحیی العطار بوده است.

تراث حدیثی

بر اساس گزارش‌های فهرست‌نگاری شیخ طوسی و نجاشی (رجال نجاشی، ص ۸۸؛ الفهرست، ص ۶۱)، و نیز آنچه پیش از این درباره رویکرد اساتید وی گذشت می‌توان ابن ابی زاهر را جز عالمان متکلم و نیز فقیه حوزه قم به شمار آورد. نگاهی به عناوین و شمار تراث کلامی او در مقایسه با آثار فقهی ذکر شده برای وی - کتاب الزکاة، کتاب الجمعة و العیدین و احتمالاً کتاب احادیث الشمس و القمر - موید این سخن است (همان، همان). علاوه بر این مقایسه‌ای میان عناوین کتاب‌های مذکور با عناوین کتاب‌های کلامی او حاکی از قوت و تمرکز وی در موضوعات کلامی است. این مجموعه آثار کلامی که درباره مهم‌ترین موضوعات مطرح در آن روزگار نگاشته شده‌اند، عبارت‌اند از: کتاب البداء، کتاب الجبر و التفویض، کتاب صفة الرسل و الانبیاء و الصالحین علیهم‌السلام، و احتمالاً کتاب النوادر، (همان، همان).

علاوه بر این موارد مشترک میان دو فهرست‌نگار مشهور، تنها نجاشی کتابی با عنوان کتاب ما يفعل الناس حين يفقدون الامام برای وی نام می‌برد (رجال نجاشی، ص ۸۸) که موافق با جریانات فکری دوران غیبت امام عصر علیه السلام نیز می‌باشد. این کتاب اگر چه در اختیار ما نیست اما می‌توان تا حدودی از عنوان کتاب میزان اعتنای وی به مسائل روز، موضع دفاعی مولف و به تبع - با ملاحظه مجموعه روایات موجود - جهت‌گیری‌های علمی او را در این باره دانست. نکته مفیدی که می‌توان درباره عناوین کتاب‌های وی مورد توجه قرار داد، همسویی میان این عناوین با پرسش‌های فکری مطرح در جامعه است. به گمان قوی ارائه کتاب‌هایی همانند «کتاب صفة الرسل و الانبياء و الصالحين» و یا «کتاب ما يفعل الناس حين يفقدون الامام» در قالب جدید به دلیل همین رویکرد بوده است.

یک اثر حدیثی - کلامی

گردآوری روایات ابن ابی‌زاهر، مجموعه‌ای مشتمل بر ۴۱ روایت را شامل می‌شود. که از میان آنها سهم بصائر الدرجات ۳۷ روایت، الکافی ۸ روایت (۷ روایت مشترک با بصائر الدرجات)، و کامل الزیارات ۲ روایت است (جدول پیوست).

مقایسه‌ای تطبیقی میان محتوای روایات ابن ابی‌زاهر با عناوین ابوابی - از کتاب بصائر الدرجات و کتاب الکافی - که این روایات در ذیل آنها ذکر شده است از یک‌سو و بررسی ارتباط این عناوین با عناوین کتاب‌های ابن ابی‌زاهر، از سوی دیگر، این اطمینان را حاصل می‌نماید که مجموعه گردآوری شده بخشی از کتاب صفة الرسل و الانبياء و الصالحين علیه السلام است. در این میان تنها دو روایت مذکور از کامل الزیارات احتمالاً برگرفته از این کتاب، یا کتاب النوادر و یا صرفاً نقل روایی است.

مصادر نقل روایات

با دسته‌بندی روایات ابن ابی‌زاهر می‌توان به وضوح مشاهده نمود که این نقل‌ها بر سه گروه‌اند:

نخست: روایاتی که تمام سند آنها تا معصوم یکسان است برای نمونه «الحسن بن موسی الخشاب عن علی بن حسان عن عبدالرحمن بن کثیر عن ابی عبدالله» سندی است که هفده بار تکرار شده است در این میان هر سه فرد دارای کتاب‌هایی هستند خصوصاً الحسن بن موسی

الخشاب که کتابی با عنوانی متناسب - کتاب الانبیاء - با کتاب ابن ابی زاهر دارد و به احتمال زیاد احمد بن ابی زاهر این روایات را از کتاب الخشاب و او از مولفین پیشین خود گرفته است.

دوم: اسنادی که حداقل در بخشی از سلسله سند مشترک هستند؛ برای نمونه ابن ابی زاهر از علی بن اسماعیل السندی، احمد بن محمد (از هر کدام چهار روایت)، یعقوب بن یزید (پنج روایت) محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و الحسن بن علی بن النعمان (از هر کدام سه روایت) نقل می‌کند که این افراد خود دارای کتاب‌هایی در زمینه بحث هستند.

سوم: روایاتی که سند آنها به‌طور کامل مجزا می‌باشد برای نمونه روایت ابن ابی زاهر از احمد بن عبدوس و ایوب بن نوح جعفر بن محمد بن مالک تا امام معصوم علیه السلام از این دسته‌اند. با این همه در این‌گونه اسناد نیز - برای نمونه هر سه نفر - صاحبان کتاب‌هایی با عنوان النوادر قرار دارند (رجال نجاشی، صص ۸۱ و ۱۰۲؛ الفهرست، ص ۱۱۱) که احتمالاً مشتمل بر روایاتی در فروع خاص موضوع امامت بوده است.

البته باید توجه داشت که سخن در نقل از مصادر به معنای نفی روایت شفاهی - از غیر کتاب - نیست اما به‌طور قطع شیوه متقدمین در نقل روایت بیشتر با تکیه بر مصادر مکتوب بوده است.

اعتبار سنجی روایات

پیش از این در معرفی ابن ابی زاهر گذشت که نجاشی و شیخ طوسی در اعتبار سنجی میراث وی گفته‌اند «کان وجهها بقم و حدیثه لیس بذک النقی» (رجال نجاشی، ص ۸۸؛ الفهرست، ص ۶۱). بررسی معنای این کلام و توضیحات آن می‌تواند به اعتبارسنجی روایات وی منجر شود. در توضیح باید گفت بی تردید تلاش برای فراگیری معارف ناب اهل بیت علیهم السلام اقتضای حساسیت‌های خاصی درباره سنجش روایات را داشته است که می‌توان از آن به عنوان «نگاه راهبردی اهل بیت علیهم السلام در نشر، حفظ و پالایش» یاد کرد^۱. از جمله این معیارها می‌توان به عرضه نگاشته‌های روایی بر امامان و یا بر اصول وارده از ایشان اشاره کرد. علاوه بر این لحاظ جنبه‌هایی چون حساسیت‌های موضوعی، نظیر امامت چنین می‌نماید که مجموعه‌های روایی - که بعد از صدور از معصوم به هر دلیلی دچار خلل شده - در بستر زمان مورد پالایش محدثان قرار بگیرند و

۱. برای آگاهی بیشتر از معیار مورد توجه اصحاب امامیه، رجوع شود به مقاله‌ای با عنوان «نگاه راهبردی اهل بیت علیهم السلام در انتشار، پالایش حدیث شیعه و موانع آن»، سیدعلیرضا حسینی و سیدمصطفی مطهری، حدیث و اندیشه، شماره چهاردهم، ۱۳۹۲ هـ.ش.

موشکافانه و منصفانه میان اعتقادات و مذهب راوی و نقل روایت وی و نیز دیگر شئون او تفاوت‌هایی لحاظ شود. تعبیر مذکور نیز می‌بایست با ملاحظه همین نگاه راهبردی معنا شود چنان که در تعابیر عالمان متاخر نیز چنین آمده است.

عالمان محدث و رجالی متاخر - مانند شیخ حسین بن عبدالصمد، علامه مجلسی، محقق کلباسی و علامه سیدحسن صدر - در تبیین معنای «وجه» گاه تا برابری آن با الفاظ وثاقت و مدح نیز معتقد شده‌اند (معجم مصطلحات الرجال، ص ۱۸۹). بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت که مراد کلام مذکور آن است که ابن ابی‌زاهر دارای وجاهت [وثاقت] در نزد اهل قم بوده است اما آن‌گونه که باید روایاتش بی اشکال نبوده است. آیت الله خوبی در این باره چنین توضیح می‌دهد که ظهور عبارت مذکور در این است که ابن ابی‌زاهر از وجوه حدیثی قم به شمار می‌آید و معنای عبارت «حدیثه لیس بذلك النقی»، وجود برخی روایات غیرمعروف است و این منافاتی با وثاقت وی ندارد (معجم الرجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۹). البته این دیدگاه پیش‌تر نیز مورد قبول حدیث پژوهان متاخر قرار داشته است و آن را نه تنها موجب جرح و قدح راوی ندانسته است بلکه به قابلیت جمع با آن با وثاقت نیز اعتقاد داشته‌اند؛ بر این اساس مراد، نفی کمال نقاوت (نقی بودن روایات و خالی بودن آن از عیوب) می‌باشد (نهایة الدراية، ص ۴۳۶، الفصول الغروية فی الأصول الفقهية، ص ۳۰۴، منهج المقال، ص ۱۳۷، بهجة الآمال، ج ۲، ص ۱۴؛ تهذیب المقال، ج ۳، ص ۴۱۷). از آنجا که مفهوم وجاهت نمی‌تواند با ضعف قرین شود، عبارت دوم در بردارنده ضعف و جرح به شمار نیامده است، علاوه بر اینکه برخی عالمان اساساً به مدح وی نیز حکم کرده‌اند (أعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۸۹). البته برخی معاصرین تنها به ذکر نام وی در میان راویان ضعیف بسنده کرده‌اند و توضیحی درباره آن نداده‌اند (معرفة الحدیث، ص ۱۷۷؛ دراسات فی الحدیث و المحدثین، ص ۱۹۳). بنابراین عبارت مذکور نه تنها به معنای غیرمفید و یا غیرصحیح بودن همه روایات وی نیست، بلکه وجود روایات مشابه دیگر از سایر عالمان شیعی می‌تواند موید صحت محتوایی روایات ابن ابی‌زاهر باشد (تهذیب المقال، ج ۳، ص ۴۱۷). از سوی دیگر باید توجه داشت که مجموعه روایات موجود، مجموعه‌ای پالایش شده است که در تراش شیعی انعکاس یافته است و نیز باید توجه داشت که عدم انعکاس تمامی روایات ابن ابی‌زاهر در کتاب الکافی به معنای عدم پذیرش این روایات نیست زیرا ممکن است مرحوم کلینی طریق یا مصادر معتبرتری در اختیار داشته و یا نقل بر اساس اسناد عالی یا اساتید معروف تر را محور کار خود

قرار داده است. برای نمونه مرحوم کلینی گاه مشابه متن روایت احمد بن ابی زاهر را با اختلاف اندکی در متن، به سندی دیگر از بصائر الدرجات نقل می‌کند (برای نمونه بصائر الدرجات، ص ۶۵، ح ۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۱).

بنابراین آنچه در حال حاضر از روایات ابن ابی زاهر شناخته می‌شود مجموعه‌ای از روایات قابل اعتماد شیعی به شمار می‌آید.

شواهدی بر صحت روایات ابن ابی زاهر

پیش از این گذشت که انعکاس روایات ابن ابی زاهر در میراث شیعی مانند کتاب الکافی، به معنای پذیرش این گونه روایات است. برای روایات منعکس شده می‌توان دو حالت کلی تصور نمود؛ نخست آنکه این مجموعه شامل روایاتی منفرد است که هیچ مشابه دیگری در مصادر قابل اعتماد شیعی ندارد. این حالت بنابر بررسی‌ها - و لاقلاً در میان روایات موجود از وی - وقوع خارجی ندارد. دوم آنکه روایات مذکور مشابهی متنی یا سندی در مصادر دیگر دارد. این شواهد خود می‌تواند صحت مضمونی روایات ابن ابی زاهر را تقویت نماید. در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

مرحوم کلینی در باب «أَنَّ أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ بِسُؤَالِهِمْ هُمُ الْأُمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۱)، نه روایت در ذیل آیه شریفه ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (النحل/۴۳) نقل می‌کند که پنج مورد نخست شباهت متنی بسیار نزدیکی با یکدیگر و نیز با روایت ابن ابی زاهر در بصائر الدرجات دارد (بصائر الدرجات، ص ۶۰) و تفاوت‌ها گاه در حد واژه و یا جمله‌ای اضافی است و چهار روایت دیگر نیز با مضمون مشابه و با شباهت متنی میان خود نقل شده‌اند. همچنین روایت ابن ابی زاهر در بصائر الدرجات (همان) با اشتراک سندی پیش از ابن ابی زاهر تا امام علی (ع) نقل شده است (الکافی، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۲).

در نمونه دیگر مرحوم کلینی در ذیل عنوان «بَابُ فِي أَنَّ مِنْ اصْطِفَاءِ اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَأَوْثَمِهِمْ كِتَابَهُ هُمُ الْأُمَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، (همان، ج ۱، ص ۲۱۴) چهار روایت می‌آورد که سه روایت با متن روایتی از ابن ابی زاهر در کتاب بصائر الدرجات تشابه مضمونی دارد و تنها جملاتی را اضافه‌تر دارد، به ویژه روایت سوم که در سند آن تا امام علی (ع) همگی از ثقات اصحاب هستند و احتمالاً متن نیز به لحاظ نسخه اضبط بوده است.

نمایه‌های کلامی

برای پی بردن به عمق اندیشه‌های کلامی ابن ابی‌زاهر می‌توان از درون مایه‌های روایی وی بهره جست، که حاکی از نگرش جامع و تخصصی وی به همه ابعاد و شئون امامت است. درون مایه‌های روایی وی پاسخ به پرسش‌های اساسی درباره جایگاه امامان علیهم‌السلام و صفات ایشان و نیز منابع علم امامان علیهم‌السلام و ویژگی‌های آن می‌باشد. همچنین می‌توان زوایای نگاه وی را در تدوین دو کتاب پسین آن یعنی بصائر الدرجات و الکافی موثر دانست. این موارد عبارت‌اند از:

۱. جایگاه امام در نظام آفرینش

ابن ابی‌زاهر گروهی از روایات را گزارش می‌کند که در آن، امامان علیهم‌السلام به عنوان والیان امر خدا، خزنه علم و جایگاه وحی الهی دانسته شده‌اند (بصائر الدرجات، صص ۱۲۵ و ۸۱)، که بواسطه منابع در اختیارشان (منابع علم) محل رجوع‌اند (همان، ص ۶۰، دو روایت). لزوم اطاعات از ایشان به دلیل نص قرآنی (همان، ص ۴۰۴).

۲. صفات و ویژگی‌های امام علیه‌السلام

عرضه اعمال در روز پنج‌شنبه بر ایشان (همان، ص ۴۴۶)، عرضه روزانه اعمال بر ایشان تا روز قیامت (همان، ص ۴۴۷)، یکسانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام در صفات (همان، ص ۵۰۰)، آگاهی از عوالم دیگر (همان، ص ۵۱۰)، آگاهی به ضمائر (همان، ص ۴۴۰)، اخبار از غیب (همان، ص ۲۶۹)، سخن گفتن غیرحیوانات با ایشان (همان، ص ۵۲۱)، خلقت ابدان اهل بیت علیهم‌السلام از طین عرش (همان، ص ۳۷)، ولایت ملائکه و شفاعت فطرس (همان، ص ۸۸)، پاسخ‌گویی به تمامی موجود مانند پرندگان و غیره (همان، صص ۳۶۵ و ۳۷۲، سه روایت).

۳. منابع علم امام علیه‌السلام

کتاب خدا (قرآن) (همان، صص ۸۱ و ۲۳۲ و ۱۳۹) جفر و مصحف فاطمه علیها‌السلام (همان، ص ۱۷۵، دو روایت)، اسم اعظم (همان، ص ۲۳۰) علم حضرت آدم و جمیع انبیاء علیهم‌السلام (همان، ص ۱۳۹).

۴. کیفیت دریافت علم

از طریق جدا شدن روح و عروج آن و دریافت علم مستفاد (همان، ص ۱۵۰)، سخن گفتن پیامبر ﷺ و هر یک از ایشان در گوش دیگری (همان، ص ۳۹۷)، نجوا در گوش، نفوذ در قلب (همان، صص ۳۴۶ و ۲۵۲)، وراثت از رسول خدا ﷺ (همان، صص ۳۱۴ و ۳۴۶)، شنیدن صوتی خاص، رویت در بیداری (همان، ص ۲۵۲).

۵. ویژگی های علم امامان

پایان پذیری آن در صورت انقطاع از عالم بالا (همان، صص ۱۵۰ و ۴۱۴)، یکسان بودن علم امامان علیهم السلام با یکدیگر و با پیامبر ﷺ (همان، ص ۴۱۴)، غیراقتسابی بودن علم (همان، ص ۲۲۶)، بهره‌مندی از رجم (دانشی فراتر از قرآن و سنت درباره معضلات) (همان، ص ۴۰۹، دو روایت)، دانستن کلام پرندگان - منطق الطیر - است (همان، صص ۳۶۵ و ۳۷۲، سه روایت).

نتیجه گیری

۱. احمد بن ابی‌زاهر از وجوه عالمان حوزه حدیثی قم است که رویکرد کلامی دارد.
۲. مجموعه روایات بر جای مانده از وی به جز دو روایت، با عنوان کتاب صفة الرسل و الانبیاء و الصالحین علیهم السلام مشابهت مضمونی داشته و می‌توان آن را بخشی از کتاب مذکور دانست.
۳. بیشتر این مجموعه در کتاب بصائر الدرجات گزارش شده است که بخشی از آن با روایات کلامی کتاب کافی همسان است.
۴. میراث حدیثی وی غیرمنفرد است و شواهد فراوانی از کتاب الکافی به لحاظ سند و متن موید قابل اعتماد بودن محتوای این مجموعه است.
۵. درون مایه‌های روایی وی حاکی از پاسخ به پرسشی اساسی درباره جایگاه امامان و تاکید بر ویژگی و صفت علم و منابع علم ایشان است.

جدول پیوست

تذکر:

۱. علامت‌های اختصاری کتاب‌ها عبارت‌اند از: ک؛ الکافی. ب؛ بصائر الدرجات. ک؛ کامل الزیارات.

٢. علامتِ ** به معنای اشتراک روایت میان کتاب کافی و بصائر الدرجات است.
٣. جمع تعداد روایات زیر ٤٢ مورد است که یک مورد عطف در اسناد مشترک است.

عناوین ابواب و آدرس روایات	تعداد روایات	اساتید ابن ابی زاهر
(٣) باب فی الأئمة انهم حجة الله و باب الله و ولاية امر الله و وجه الله الذي يؤتى منه و جنب الله و عين الله و خزنة علمه جل جلاله. بصا/ ٨١. أن الأئمة <small>عليهم السلام</small> ولاية أمر الله و خزنة علمه. كا/ج/١٩٢/١**	١٨	الحسن بن موسى الخشاب
انه لم يجمع القرآن كله الا الأئمة <small>عليهم السلام</small> و انهم يعلمون علمه كله. كا/ج/١٢٩/١. (١) باب مما عند الأئمة <small>عليهم السلام</small> من اسم الله الأعظم و علم الكتاب. بصا/٢٣٢**		
٨ - باب فی الأئمة فی أن الحجّة و الطاعة و العلم و الامر و النهی و الشجاعة واحد و لرسول الله <small>صلى الله عليه و آله و سلم</small> و علی <small>عليه السلام</small> . بصا/٥٠٠. فی أن الأئمة <small>عليهم السلام</small> فی العلم و الشجاعة و الطاعة سواء. كا/ج/١٢٧٥/١**		
فيه نكت و نتف من التنزيل فی الولاية. كا/ج/١١٣/١		
(٥) باب عرض الأعمال علی الأئمة الأحياء و الأموات بصا/٤٤٧		
(٧) باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد <small>عليهم السلام</small> من ولاية أولى العزم لهم فی الميثاق و غيره. بصا/ ٩٠، دو روایت		
١٩ - باب (فی أئمة آل محمد <small>عليهم السلام</small> انهم أهل الذكر الذين امر الله بسؤالهم و الامر إليهم ان شأؤوا أجابوا و ان شأؤوا لم يجيبوا). بصا/ ٦٠		
١٨ - باب النوادر فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> و أعاجيبهم. بصا/ ٥٣٧		
(١٩) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم خزان الله فی السماء و الأرض علی علمه. بصا/١٢٥		
(١١) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> أوتوا العلم و أثبت ذلك فی صدورهم. بصا/٢٢٦		
٩ - باب (فيه خلق أبدان الأئمة <small>عليهم السلام</small> و قلوبهم و أبدان الشيعة و قلوبهم لتلا يدخل الناس الغلو فی عجائب علمهم). بصا/٣٧		

<p>۱۴ - باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> ان الخلق الذي خلف المشرك و المغرب يعرفونهم و يؤتونهم و يبرؤون من أعدائهم. بصا/ ۵۱۰</p>		
<p>(۱۰) باب النوادر من ابواب الولاية. بصا/ ۹۸</p>		
<p>۲۱ - باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم الذين قال الله فيهم انهم أورثهم الكتاب و انهم السابقون بالخيرات. بصا/ ۶۵</p>		
<p>(۱۵) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم يعرفون منطلق البهائم و يعرفونهم و يجيبونهم إذا دعوهم. بصا/ ۳۷۱</p>		
<p>(۱) باب فی صفة رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> والأئمة <small>عليهم السلام</small> فيما أعطوا من البصر و خصوا به من دون الناس ما يرون من الأعمال في النوم و اليقظة. بصا/ ۴۴۰</p>		
<p>(۸) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> ورثوا العلم من رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> وعن علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small> و ان الحكم يقذف في صدورهم و ينكت في اذانهم بصا/ ۳۴۶. جهات علوم الأئمة <small>عليهم السلام</small>. كا/ ج/ ۱/ ۲۶۴. (روایت مشترک با علي بن اسماعيل)**</p>		
<p>(۸) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> ورثوا العلم من رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> وعن علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small> و ان الحكم يقذف في صدورهم و ينكت في اذانهم بصا/ ۳۴۶. جهات علوم الأئمة <small>عليهم السلام</small>. كا/ ج/ ۱/ ۲۶۴. (روایت مشترک با الحسن بن موسى الخشاب)**</p>	<p>۴</p>	<p>علي بن اسماعيل السندی</p>
<p>التفويض إلى رسول <small>صلى الله عليه وسلم</small> و إلى الأئمة <small>عليهم السلام</small> في أمر الدين. بصا/ ۴۰۴ (۵) باب فی أن ما فوض إلى رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> فقد فوض إلى الأئمة <small>عليهم السلام</small>. كا/ ج/ ۱/ ۲۶۵.**</p>		
<p>(۱۴) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم أعطوا الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة <small>عليها السلام</small>. بصا/ ۱۷۵</p>		
<p>۱۹ - باب (في أئمة آل محمد <small>عليهم السلام</small> انهم أهل الذكر الذين امر الله بسؤالهم و الامر إليهم ان سأؤوا أجاؤوا و ان سأؤوا لم يجيبوا). بصا/ ۵۹-۶۰</p>		
<p>۸ - باب ما يزداد الأئمة في ليلة الجمعة من العلم المستفاد. كا/ ج/ ۱/ ۲۵۴ في أن الأئمة <small>عليهم السلام</small> يزدادون في ليلة الجمعة. بصا/ ۱۵۰**</p>	<p>۱</p>	<p>جعفر بن مالك الفزاري</p>

التمام عند قبر الحسين <small>عليه السلام</small> وجميع المشاهد الكافي ؛ مشابه سنداً و متنأً. زيار، الباب (٨٢) ص ٤٣٢	٢	محمد بن الحسين بن أبي الخطاب
الرخصة في ترك الغسل لزيارة الحسين <small>عليه السلام</small> زيار، باب (٧٦) ص ٣٤٨		
(١٤) باب في الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم يعرفون منطق الطير. بصا/٣٦٤		
(١٤) باب في الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم أعطوا الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة <small>عليها السلام</small> . بصا/١٧٥	٣	الحسين بن علي بن النعمان
(٧) باب في أنهم يخاطبون و يسمعون الصوت و يأتيهم صور أعظم من جبرئيل و ميكائيل <small>عليهما السلام</small> . بصا/٢٥٢		
(٩) باب ما تزداد الأئمة <small>عليهم السلام</small> و يعرض على كل من كان قبلهم من الأئمة رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> و من دونه من الأئمة <small>عليهم السلام</small> . بصا/٤١٤		
(٧) باب في المعضلات التي لا توجد في الكتاب و السنة ما يعرفه الأئمة. بصا/٤٠٩	١	أيوب بن نوح
(١) باب في الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم ورثوا علم آدم و جميع العلماء <small>عليهم السلام</small> . بصا/١٣٤ ان الأئمة ورثوا علم النبي و جميع الأنبياء والأوصياء الذين من قبلهم. كا/ج١/٢٢٦**	١	محمد بن حماد
(١٣) باب في الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم أعطوا اسم الله الأعظم وكم حرف هو. بصا/٢٣٠	١	احمد بن عبدوس

(۳) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> ان عندهم اسرار الله يؤدي بعضهم إلى بعض و هم امناؤه. بصا/ ۳۹۷	۵	يعقوب بن يزيد
(۷) باب فی المعضلات التي لا توجد في الكتاب و السنة ما يعرفه الأئمة <small>عليهم السلام</small> . بصا/ ۴۰۹		
(۴) باب الأعمال تعرض على رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> و الأئمة <small>عليهم السلام</small> . بصا/ ۴۴۶		
(۱۱) باب فی أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> ان رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small> شاركه في العلم و لما يشاركه في النبوة و ذكر الرماطين. بصا/ ۳۱۴		
(۱۴) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم يعرفون منطق الطير. بصا/ ۳۶۵		
(۱۱) باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انهم يخبرون شيعتهم بأفعالهم و سرهم و افعال غيبهم و هم غيب عنهم. بصا/ ۲۶۹	۴	احمد بن محمد
(۶) باب ما خص الله به الأئمة من آل محمد <small>صلى الله عليه وسلم</small> عليهم أجمعين و ولاية الملائكة. بصا/ ۸۸		
- باب فی الأئمة <small>عليهم السلام</small> انه كلمهم غير الحيوانات. بصا/ ۵۲۱ و بصا/ ۵۲۳. دوروايت		

کتابنامه

۱. **اعیان الشيعة**، امين، سيدمحسن، تحقيق: حسن الأمين، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، لين ان، ۱۹۴۶م؛
۲. **بصائر الدرجات**، صفار، محمد بن الحسن بن فروخ، تصحيح: ميرزا حسن كوچه باغی، طهران، مطبعة الأحمدي، ۱۳۶۲ هـ ش؛
۳. **بهجة الآمال في شرح زبدة المقال**، علياری تبریزی، علي بن عبدالله، مصححين: حایری، جعفر، مسترحمی، هدايت الله، تهران، بن یاد فرهنگ اسلامي، ۱۳۷۱ هـ ق؛
۴. **تهذيب المقال في تنقيح كتاب رجال النجاشي**، ابطحي، السيد محمدعلي، بی تا، بی جا؛
۵. **دراسات في الحديث و المحدثين**، معروف الحسني، هاشم، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۸ - ۱۹۷۸م؛
۶. **رجال ابن الغضائري**، ابن غضائري، احمد بن حسين، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۶۴ هـ ق؛
۷. **رجال الشيخ الطوسي**، طوسي، محمد بن الحسن، نجف، انتشارات حيدريه، ۱۳۸۱ هـ ق؛
۸. **رجال الكشي**، كشي، محمد بن عمرو، مشهد، انتشارات دانشگاه ۱۳۴۸ هـ ش؛
۹. **رجال النجاشي**، نجاشي، احمد بن علي، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۰. **الرسائل الرجالية**، كلباسي، محمد بن محمد ابراهيم، محمد حسين الدرايتي، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ - ۱۳۸۰ هـ ش؛
۱۱. **روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه**، مجلسي، محمدتقي، مصحح: سيدحسين موسوي کرمانی و علي پناه اشتهاردی و سيدفضل الله طباطبائي، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ هـ ق؛
۱۲. **سماء المقال في علم الرجال**، كلباسي، ابوالهدى، تحقيق: السيد محمد الحسيني القزويني، مؤسسة ولي العصر عليه السلام للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۹ هـ ق؛
۱۳. **الفصول الغروية في الأصول الفقهية**، حائري، محمد حسين بن عبد الرحيم، قم،

دار إحياء العلوم الإسلامية، ۱۳۶۳ هـ ش؛

۱۴. **الفهرست**، طوسی، محمد بن الحسن، نجف، المكتبة المرتضوية، بی تا؛

۱۵. **الكافی**، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ هـ ش؛

۱۶. **کامل الزیارات**، ابن قولویه القمّی، جعفر بن محمد، مترجم: سید محمد جواد ذهنی

تهرانی، چاپ پنجم، قم، انتشارات پیام حق، ۱۳۸۶ هـ ش؛

۱۷. **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، مجلسی، محمدباقر، مصحح: سید هاشم

رسولی، چاپ دوم، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۴ هـ ق؛

۱۸. **معجم رجال الحديث**، خویی، سید ابوالقاسم، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ هـ ق.

۱۹. **معجم مصطلحات الرجال**، جدیدی نژاد، محمد رضا، چاپ دوم، قم، دار الحديث

للطباعة والنشر، ۱۴۲۴ هـ ق؛

۲۰. **معرفة الحديث**، بهبودی محمدباقر، بیروت، دار الهادی، ۱۴۲۷ هـ ق؛

۲۱. **منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال**، استرآبادی، محمد بن علی، بیروت،

مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهیاء التراث، ۱۴۲۲ هـ ق؛

۲۲. **نهایة الدراية**، صدر، سید حسن، تحقیق: ماجد الغرابوی، تهران، نشر المشعر، بی تا؛

۲۳. **نگاه راهبردی اهل بیت علیه السلام در انتشار، پالایش حدیث شیعه و موانع**

آن، حسینی، سیدعلیرضا و مطهری، سیدمصطفی، حدیث و اندیشه، شماره

چهاردهم، ۱۳۹۲ هـ ش.

